[207] من پسر كسى هستم كه خواستش به درگاه خدا پذيرفته مى شد، من پسر كسى هستم كه شفاعتش مقبول قرار مى گيرد، من پسر كسى هستم كه نخستين فردي است كه از زمين مبعوث مى گردد، من پسر كسى هستم كه در بهشت را مى كوبد ودر برايش گشوده مى شود وداخل آن مى شود، من پسر كسى هستم كه فرشتگان در جنگ به ياريش مى شتافتند، وغنائم برايش حلال گشت، بوسيلهء ترس از فاصلهء يك ماه يا بيشتر يارى شد. امام در اين سخنان بود، تا اينكه دنيا بر معاويه تيره وتار شد، واز اهل شام وغير آنها هر كه امام را نمى شناخت أو را شناخت. معاويه گفت: أي حسن، آرزو داشتى كه خليفهء شوى اما خليفه نيستى، امام فرمود: خليفه كسى است كه به روش پيامبر عمل كند وبه اطاعت الهى گردن نهد، وكسى كه ستم مى كند وسنتهاى الهى را تعطيل گذارده، وبه دنيا همچون پدر ومادر خود دلبستگى دارد، وبندگان الهى را بردگان ومال خدا را غارت مى كند خليفه نمى باشد، ولكن أو كسى است كه به زور حكومتي را به چنگ آورده واز آن به مدت كوتاهى بهره مى برد وبزودى دورانش پايان مى يابد، لذتش تمام شده وتبعات آن بر عهده اش _____